

حق دسترسی به وکیل در محاکم کیفری بین‌المللی یوگسلاوی، رواندا و دادگاه کیفری بین‌المللی از دیدگاه حقوق بشر

جعفر کوشا

تاریخ دریافت: ۸۴/۹/۲

تاریخ تأیید: ۸۵/۲/۳۰

استادیار حقوق دانشگاه شهید بهشتی

علیرضا تقی پور

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

در طول نیم قرن گذشته، تحولات عمده‌ای در زمینه حقوق متهم رخ داده است. اسناد بین‌المللی حقوق بشر و نهادهایی مانند دادگاه اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق بشر سازمان ملل که برای نظارت بر اجرای مقررات این اسناد به وجود آمده‌اند، نقش مهمی در این راستا ایفا کرده‌اند. حق دسترسی و برخورداری از مساعدت وکیل، از جمله این حقوق به شمار می‌رود. این موضوع که محاکم کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی و رواندا و دادگاه کیفری بین‌المللی به عنوان تابعان حقوق بین‌الملل، تا چه اندازه خود را ملزم به رعایت این حق با توجه به مقررات حقوق بشر دانسته‌اند، موضوع مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد.

واژگان کلیدی: اسناد بین‌المللی حقوق بشر، نهادهای نظارتی حقوق بشر، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، حق دسترسی به وکیل.

مقدمه

عدم رعایت حقوق افراد توسط دولت‌های اقتدارگر باعث تصویب اسنادی چه در سطح جهانی مانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و چه منطقه‌ای مانند کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۱ (۱۹۵۰) پس از جنگ دوم جهانی و تحت تأثیر مکاتبی همچون مکتب دفاع اجتماعی جدید گردید (لازرز، ۱۳۸۲: ۱۳) که در آنها می‌توان مقرراتی حمایت از حقوق متهم مشاهده نمود.

در این میان، ساز و کارهای نظارتی نیز بر چگونگی اجرای اسناد مذکور ایجاد شده‌اند. از مهم‌ترین آنها می‌توان به دادگاه اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق بشر سازمان ملل اشاره کرد که صلاحیت دریافت شکایت‌های افراد مبنی بر نقض حقوق مندرج در کنوانسیون اروپایی و میثاق بین‌المللی را دارند. آرا و تصمیمات نهادهای مذکور نه تنها باعث تعیین حدود و قلمرو حقوق متهم گردیده و بدینسان موجبات

۱- کنوانسیون اروپایی به قلم علیرضا تقی‌پور به فارسی برگردانده شده و در فصلنامه بصیرت، شماره ۳۱ و ۳۰ منتشر شده است.

توسعه و تکامل آن را فراهم کرده است (M. Cherif Bassiouni, 1994: 143). بلکه باعث تغییراتی نیز در قوانین داخلی کشورها شده است. (قاری سید فاطمی، ۱۳۷۹: ۱۳۰ و لیا لوین، ۱۳۷۷: ۴۵). بدین ترتیب استناد مکرر اسناد حقوق بشری به حقوق متهم، آرا و تصمیمات مشابه صادره توسط نهادهای ناظر بر چگونگی اجرای این اسناد، تغییر قوانین داخلی منطبق با آرای مذکور و بالاخره جایگاه ویژه‌ای که این موضوع در سطح جهانی به دست آورده است، باعث شده مقررات راجع به حقوق متهم، از جمله قواعد عرفی حقوق بین‌الملل در نظر گرفته شوند (Antonio cassese, 2003: 395).

از آن‌جا که در خصوص یک قاعده عرفی باید رویه یکسانی در سطح بین‌المللی باید وجود داشته باشد، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیز ملزم به تبعیت از تفاسیر ارائه شده توسط نهادهای نظارتی حقوق بشر می‌باشند. برای پی بردن به این نکته که دادگاه‌های مذکور تا چه حد به این تفاسیر پایبند بوده‌اند، یکی از مصادیق حقوق متهم را که حق دسترسی به وکیل می‌باشد، با نگرش به اسناد بین‌المللی حقوق بشر و مقررات و رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، از نظر می‌گذرانیم.

گفتار اول: دیدگاه حقوق بشر

الف) اسناد بین‌المللی حقوق بشر

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در جزء ۴ از بند ۳ ماده ۱۴ مقرر نموده است که هرکس متهم به ارتکاب جرمی شود حق دارد: «... شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد، از حق داشتن وکیل مطلع شود و در هر مورد که استطاعت پرداخت نداشته باشد، اگر عدالت اقتضا نماید، بدون پرداخت هزینه، برای او وکیل تعیین شود.»

جزء ۳ از بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی نیز با عبارت مشابهی، حق داشتن وکیل را به رسمیت شناخته، هر چند به این نکته که متهم باید از وجود چنین حقی مطلع شود، اشاره‌ای نکرده است. بدین ترتیب متهم هیچ محدودیتی در دفاع از خود ندارد. در چنین وضعیتی، دادگاه باید کلیه اقدامات از جمله در اختیار قرار دادن پرونده به متهم را انجام دهد (آشوری، ۱۳۸۳: ۳۵۴). اما متهم می‌تواند از این حق صرف نظر نموده و از وکیلی که خود انتخاب می‌کند، برخوردار شود. تعیین وکیل توسط دادگاه، نیز مشروط به دو شرط عدم استطاعت مالی و اقتضا عدالت گردیده است. همچنین اطلاق عبارات مذکور حاکی از آن است که متهم حق دارد در تمام مراحل رسیدگی از تحقیقات تا صدور حکم، به وکیل دسترسی داشته باشد.

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹) در جزء ۴ از بند ۲ ماده ۸ و منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها (۱۹۸۱) در جزء ۳ از بند ۱ ماده ۷، این حق را برای متهم تضمین کرده‌اند. همچنین در این

خصوص می‌توان به قطعنامه پانزدهمین کنگره بین‌المللی حقوق جزا (۱۰ سپتامبر ۱۹۹۴) که حق دسترسی به وکیل را از مراحل ابتدایی تشکیل پرونده پیش بینی نموده و نیز اصول اساسی نقش وکلا مصوب هشتمین کنگره سازمان ملل برای پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمین، (۲۷ آگوست، ۷ سپتامبر ۱۹۹۰) اشاره کرد. اصل اول مقرر کرده است: «کلیه افراد حق دارند خواستار کمک وکیلی که خود انتخاب می‌نمایند برای حمایت از حقوق خود و دفاع در کلیه مراحل رسیدگی شوند.» همچنین دولت‌ها مکلف شده‌اند، دسترسی فوری به وکیل را برای متهم فراهم نموده (اصول پنجم و هفتم) و در صورت بی‌بضاعت بودن متهم، وکیلی برای او تعیین نمایند (اصل ششم).

ب) آرای نهادهای جهانی و منطقه‌ای حقوق بشر

۱- کمیته حقوق بشر سازمان ملل

کمیته حقوق بشر ضمن انتقاد از برخی دولت‌ها که در گزارش‌های ارسالی خود به کمیته، مشخص ننموده‌اند که چگونه حق متهم دایر بر دسترسی به وکیل را رعایت نموده‌اند، اعلام نموده است که دولت‌ها مکلف‌اند تدابیری را اتخاذ نمایند که در صورت عدم تمایل متهم به دفاع از خود و عدم انتخاب وکیل از ناحیه او، وکیلی برای متهم تعیین شود که بتواند بدون دخالت مقامات قضایی، به طور محرمانه و در فرصت کافی با موکل خود مشورت نماید. (General comment, 1984) در این رابطه، آرای نیز توسط کمیته صادر شده است.

به عنوان مثال، در خصوص متهم بی‌بضاعت، کمیته اعلام نموده است، زمانی که متهم با مجازات مرگ مواجه می‌باشد، عدالت به نحو آشکاری اقتضا می‌کند، وکیلی برای او تعیین شود، (Robinson V. Jamaica, 30 March 1989, Henny and Douglas V. Jamaica, 26 July 1996) و اگر وکیل تعیین شده نتواند وظیفه خود را به صورت مطلوب انجام دهد، متهم حق انتخاب وکیل دیگری، به رغم به تأخیر افتادن رسیدگی‌ها را دارد (Pinto V. Trinidad and Tobago, 16 July 1996).

اگر برای متهم وکیلی از جانب دادگاه تعیین شود، حق اعتراض نسبت به وکیل مورد نظر را داشته و دادگاه مکلف است به موضوع رسیدگی نماید (Reid V. Jamaica, 20 July 1990). از نظر کمیته حقوق بشر، حق متهم به انتخاب وکیل به معنای آن است که انتخاب آزادانه بوده و محدودیتی در بین نباشد. به همین دلیل اگر متهم مجبور شود از میان دو وکیل پیشنهادی، یکی را انتخاب نماید (Estrella V. Uruguay, 29 March 1983) و یا یک وکیل را از لیست وکلای نظامی برای خود برگزیند (Burgos V. Uruguay, 29 July 1981)، حق انتخاب از بین رفته است.

۲- دادگاه اروپایی حقوق بشر

دادگاه اروپایی در آرای متعدد، حق دسترسی به وکیل را از مرحله تحقیقات مقدماتی به رسمیت شناخته است (آشوری، ۱۳۸۳: ۳۵۴-۳۵۵). در زمینه تحمیل وکیل بر متهم، دیوان در قضیه‌ای اعلام نموده است که هر چند تعیین وکلای بیشتر برای متهم، فی‌نفسه غیرمنطقی با کنوانسیون تلقی نمی‌شود و احتمال برقراری محاکمه منصفانه را افزایش می‌دهد، اما قبل از تعیین وکیل باید نظر متهم استماع شود و اگر دادگاه قانع شود که افزایش تعداد وکلا باعث می‌شود وکالت موثری از متهم صورت پذیرد، می‌تواند به آن اقدام نماید (Croissant V. Germany, 28 August 1992).

برخی از رأی صادره این‌گونه نتیجه‌گیری کرده‌اند که: «اولاً، حق دسترسی به وکیل موجب نمی‌شود که فرد محق باشد وکیل را رد نماید. ثانیاً، حق انتخاب آزادانه وکیل، مطلق نیست و بستگی به نظر دادگاه دارد. توجیه این دو محدودیت در شرط اقتضای عدالت است» (Christoph J.M. Safferling, 2001:112). اما باید گفت که شرط اقتضای عدالت، کلی بوده و شامل موارد متعددی از جمله تسریع در رسیدگی‌ها، منابع و امکانات دادگاه و... می‌شود، در حالی که دادگاه اروپایی این امر را تابع مصالح متهم قرار داده است. به عبارت دیگر، اگر مصالح متهم اقتضا نماید، دادگاه می‌تواند پس از استماع نظرات او، برخلاف خواست متهم عمل نماید. در غیر این صورت، تحمیل وکیل بر متهم توجیهی نخواهد داشت.

اهمیت جرم ارتكابی و یا شدت مجازات احتمالی، از مواردی هستند که عدالت اقتضا می‌کند، وکیلی از جانب دادگاه برای متهم تعیین شود (Quaranta V. Switzerland, 24 May 1991). همچنین حق تبادل نظر با وکیل از دیگر مواردی است که دادگاه در آرا خود به آن اشاره نموده بدون آن‌که در این زمینه تفاوتی میان وکیل انتخابی و تعیینی قائل شود (آشوری، ۱۳۸۳: ۳۵۳ و ۳۵۵). بدین ترتیب دغدغه دیوان اروپایی، نه منافع دادگاه بلکه رعایت حقوق متهم است. در این رابطه محاکم مکلف‌اند کلیه امکانات لازم را در اختیار متهم قرار دهند و در مواردی همچون تحمیل وکیل نیز اگر مصالح و منافع متهم ایجاب نماید، به آن مبادرت ورزند.

گفتار دوم: محاکم موقت کیفری بین‌المللی^۱

مقررات راجع به انتخاب و یا تعیین وکیل، در محاکم کیفری بین‌المللی برای یوگوسلاوی و رواندا در اساسنامه، قواعد دادرسی و نیز دستورالعمل مصوب محاکم، پیش‌بینی شده است. اساسنامه و قواعد دادرسی، حاوی اصول اساسی و کلیات و دستورالعمل، حاوی جزئیات و امور اداری راجع به تعیین وکیل می‌باشد که به ترتیب به آنها اشاره می‌شود.

الف) مقررات

۱- اساسنامه و قواعد دادرسی

در اساسنامه‌های محاکم کیفری بین‌المللی برای یوگوسلاوی و رواندا مقرر شده است که متهم حق دارد: «... شخصاً یا توسط وکیلی که انتخاب می‌کند از خود دفاع نماید و اگر وکیلی ندارد، از حق داشتن وکیل مطلع شود و در هر مورد که عدالت اقتضا نماید، اگر استطاعت مالی نداشته باشد، برای او وکیلی تعیین شود.» در بند ۱ از ماده ۶۳ قواعد دادرسی محاکم مذکور نیز این‌گونه پیش‌بینی شده است که: «بازجویی دادستان از متهم نباید بدون حضور وکیل باشد مگر این‌که متهم به صورت ارادی و صریح موافقت نماید که بازجویی بدون وکیل ادامه یابد. اگر متهم متعاقباً در خواست وکیل نماید، بازجویی متوقف شده و پس از حضور وکیل مجدداً ادامه می‌یابد.» اما در زمینه تعیین وکیل برای متهمین بی‌بضاعت که تقریباً در اختیار همه متهمین قرار گرفته (Eric Mose, 2002: 1338) و علت آن می‌تواند هزینه بالای محاکمات بین‌المللی باشد، قواعد دادرسی مقرر کرده‌اند که رئیس دبیرخانه، باید لیستی از وکلای با تجربه که تمایل خود را برای وکالت از متهمین اعلام کرده‌اند، تهیه نماید (به ترتیب در جزء ۴ از بند ۴ مواد ۲۱ و ۲۰ اساسنامه محاکم کیفری یوگوسلاوی و رواندا). همچنین رئیس دبیرخانه موظف است معیاری برای تعیین بی‌بضاعتی متهمین پیشنهاد نماید تا توسط قضات، بررسی و تصویب شود (به ترتیب در بندهای ۱ و ۲ از ماده ۴۵ قواعد دادرسی محاکم یوگوسلاوی و رواندا). اگر درخواست متهم برای تعیین وکیل توسط دبیرخانه رد شود، متهم مجدداً می‌تواند درخواست کتبی خود را که دلالت بر تغییر وضعیت مادی او می‌کند، ارائه نماید (بند ۴ ماده ۴۵ قواعد دادرسی). بدین ترتیب اساسنامه و قواعد دادرسی با طرح اصول کلی مربوط به انتخاب و تعیین وکیل، جزئیات آن را موقوف به دستورالعملی کرده‌اند که باید توسط رئیس دبیرخانه تهیه و توسط قضات به تصویب برسد.

۱- متعاقب جنایات ارتكابی در قلمرو یوگوسلاوی و رواندا و به منظور تعقیب مسئولین این جنایات، شورای امنیت به موجب قطعنامه‌های شماره ۸۲۷ مورخ ۲۵ می ۱۹۹۳ و ۹۵۵ مورخ ۸ نوامبر ۱۹۹۴ به ترتیب مبادرت به ایجاد محاکم کیفری بین‌المللی برای یوگوسلاوی و رواندا نمود.

۲- دستورالعمل

رؤسای دبیرخانه‌های محاکم کیفری یوگسلاوی و رواندا با توجه به وظایف محوله به آنان، طبق اساسنامه و قواعد دادرسی، به ترتیب در ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۴ و ۹ ژانویه ۱۹۹۶، دستورالعملی را برای تعیین وکیل به تصویب محاکم مذکور رسانیدند. مطابق این دستورالعمل، حق دسترسی به وکیل، به حق متهم دایر بر انجام دفاع توسط خود او، لطمه‌ای وارد نمی‌آورد (بند ۲ ماده ۵ دستورالعمل محکمه یوگسلاوی، بند ۱ ماده ۲ دستورالعمل محکمه رواندا).

متهم بی‌بضاعت نیز به فردی اطلاق می‌شود که توانایی کافی مالی برای به خدمت گرفتن وکیل را ندارد (بند ۲ ماده ۶ دستورالعمل محکمه یوگسلاوی، ماده ۴ دستورالعمل محکمه رواندا). بدین منظور، ابتدا متهم درخواستی را تسلیم دبیرخانه می‌کند (بند ۱ ماده ۷ دستورالعمل محکمه یوگسلاوی، ماده ۵ دستورالعمل محکمه رواندا). سپس رئیس دبیرخانه برای تعیین وضعیت مالی متهم، کلیه وسایل امرار معاش او را که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم از آنها منتفع می‌شود و وضعیت مالی همسر متهم و کسانی را که عادتاً با آنها در یک محل سکونت دارد (به ترتیب در بند ۲ از مواد ۸ و ۶ دستورالعمل‌های محاکم یوگسلاوی و رواندا) و برخورداری متهم از هر نوع مال منقول و غیرمنقول و درآمدی را که ممکن است از آنها کسب نماید، (به ترتیب در بند ۳ از مواد ۸ و ۶ دستورالعمل‌های محاکم یوگسلاوی و رواندا) در نظر می‌گیرد. متهم نیز باید با دبیرخانه همکاری نموده و اگر اموالی دارد، معرفی نماید (بند ۲ ماده ۷ دستورالعمل‌های محکمه یوگسلاوی، ماده ۷ دستورالعمل محکمه رواندا). پس از معرفی اموال توسط متهم، مقامات محل سکونت او یا هر مکانی که متهم به آنجا رفت و آمد داشته و یا هر مکان دیگری که توسط رئیس دبیرخانه معرفی می‌شود، باید اظهارات متهم را کتباً گواهی نمایند (به ترتیب در مواد ۹ و ۸ دستورالعمل محاکم یوگسلاوی و رواندا). اگر ظرف مهلت تعیین شده توسط دبیرخانه، گواهی مذکور ارائه نشود، رئیس دبیرخانه می‌تواند وکیلی برای متهم تعیین نماید (بند ۳ ماده ۱۱ دستورالعمل محکمه یوگسلاوی و ماده ۸ دستورالعمل محکمه رواندا). بدین ترتیب الزامی نسبت به تعیین وکیل در چنین وضعیتی توسط دبیرخانه وجود ندارد.

پس از طی فرآیند مذکور، اگر رئیس دبیرخانه با توجه به اطلاعاتی که جمع‌آوری شده به این نتیجه برسد که متهم، توانایی مالی کافی ندارد، وکیلی را از لیستی که قبلاً تهیه کرده، برای متهم تعیین می‌کند (به ترتیب در جزء ۱ از بند ۱ موارد ۱۱ و ۱۰ دستورالعمل‌های محاکم یوگسلاوی و رواندا). در طول مدت مذکور و برای این‌که حق متهم در دسترسی به وکیل از بین نرود، رئیس دبیرخانه می‌تواند به‌طور موقت، وکیلی را تعیین نماید. (به ترتیب در بند ۲ موارد ۱۱ و ۱۰ دستورالعمل‌های محاکم یوگسلاوی و رواندا). مجدداً ملاحظه می‌شود متهم حق ندارد، رئیس دبیرخانه را مکلف به تعیین وکیل

حق دسترسی به وکیل در محاکم بین‌المللی یوگوسلاوی، رواندا ... ۲۵

نماید. در این صورت برای رعایت حقوق متهم، دادستان نمی‌تواند او را مورد بازجویی قرار دهد. اگر دبیرخانه، درخواست متهم برای تعیین وکیل را رد نماید، متهم می‌تواند از رئیس محکمه بخواهد که در این تصمیم تجدیدنظر نماید (به ترتیب در بند ۲ مواد ۱۳ و ۱۲ دستورالعمل‌های محاکم یوگوسلاوی و رواندا). در صورت تعیین وکیل نیز، هزینه‌ها و مخارج نامبرده باید ضروری و معقول باشد (ماده ۲۲ دستورالعمل محکمه یوگوسلاوی و بند ۱ ماده ۱۷ دستورالعمل محکمه رواندا). معیاری برای این موضوع در دستورالعمل پیش‌بینی نشده است.

بنابراین وکیل متهم با توجه به این‌که از لحاظ مالی وابسته به منابع و امکانات محکمه می‌باشد، نمی‌تواند محدوده تحقیقات خود را گسترش دهد و نتیجتاً دفاع مناسب و مؤثری نیز صورت نخواهد پذیرفت.

صرف نظر از موارد معدودی از مقررات مذکور که باعث کاهش حق دفاع متهم می‌شوند، ظاهراً به نظر می‌رسد مشکلی در انتخاب یا تعیین وکیل وجود نداشته باشد. برای پی بردن به این موضوع، به چگونگی تفسیر و اجرای این مقررات در محاکم کیفری بین‌المللی یوگوسلاوی و رواندا اشاره می‌شود.

ب) تفسیر دادگاه یوگوسلاوی از مقررات راجع به حق دفاع توسط متهم

متهم حق دارد شخصاً از خود دفاع نماید؛ موضوعی که در اساسنامه دادگاه یوگوسلاوی به صراحت پیش‌بینی شده است و قبلاً به آن اشاره گردید. اما در قضیه میلوسویچ، تفسیر دیگری از این مقررات توسط دادگاه ارائه گردید. با توجه به این‌که متهم در جلسات محاکمه، به رغم تذکر قضات، بارها به بی‌اعتباری دادگاه یوگوسلاوی اشاره کرده و اظهارات شهود را نیز تفسیر می‌کرد، دادستان از دادگاه درخواست نمود تا وکیلی برای متهم تعیین شود. در پاسخ به این درخواست، دادگاه اعلام نمود که عبارات مندرج در اساسنامه که برگرفته شده از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر است، به معنای دفاع موثر است نه این‌که متهم بتواند شخصاً از خود دفاع نماید. در غیر این صورت شأن دادگاه ممکن است از بین برود. نتیجتاً متهم یا باید برای خود وکیلی تعیین نماید و یا در صورت امتناع، وکیلی برای او توسط دبیرخانه تعیین شود (Prosecutor V. Milosevic, 22 September 2004). بنابراین دادگاه بر این اعتقاد است که اولاً، هیچ متهمی نمی‌تواند شخصاً به نحو موثر از خود دفاع نماید و این امر تنها با حضور وکیل محقق می‌شود و ثانیاً، این امر با شأن دادگاه منافات دارد.

شعبه استیناف نیز ضمن پذیرش نظر شعبه بدوی، اعلام نمود با توجه به این‌که متهم از بیماری جسمی رنج می‌برد و این موضوع می‌تواند باعث تأخیر در دادرسی شود، حضور وکیل الزامی است. اما در زمان‌هایی از رسیدگی که متهم بتواند دفاع از پرونده را شخصاً بر عهده بگیرد، باید تحت

نظارت و کیل^۱، شهود خود را دعوت نموده، سؤالاتی را مطرح کند و در انجام دفاع، استراتژی مورد نظر خود را به کار بندد (Ibid, Appeals chamber, 1 November 2004). نکاتی که شعب مذکور به آن توجه ننموده‌اند آن است که اولاً، منشأ حق دفاع توسط وکیل، حق دفاع توسط خود متهم است. به عبارت دیگر، زمانی که متهم مایل است شخصاً از خود دفاع نماید، حضور وکیل توجیهی نخواهد داشت. اما حتی اگر پذیرفته شود که حق متهم در دفاع از خود، حق دادگاه را در تعیین وکیل برای او محدود نمی‌کند، این امر باید صرفاً براساس مصالح و منافع متهم صورت پذیرد و نه این که دلایلی همچون شأن دادگاه و یا توقف رسیدگی، منبای الزام به پذیرش وکیل قرار گیرد. ثانیاً، بر خلاف نظر شعبه بدوی، دفاع مؤثر زمانی از بین خواهد رفت که متهم تمایلی به همکاری با وکیل نداشته باشد و اطلاعاتی را که در دسترس دارد، در اختیار او قرار ندهد و این امر هنگامی رخ می‌دهد که برخلاف خواست متهم، وکیلی برای او تعیین شود.

ج- عدم امکان انتخاب وکیل تعیینی توسط متهم در دادگاه رواندا

همچنان که ذکر شد، ماده ۴۵ از قواعد دادرسی و ماده ۱۰ از دستورالعمل تعیین وکیل، مقرر نموده‌اند که رئیس دبیرخانه باید برای متهمی که توانایی مالی کافی ندارد، وکیل تعیین نماید. حال آیا متهم حق دارد وکیل خود را از میان اسامی مندرج در لیست انتخاب نماید یا این امر بستگی به تصمیم رئیس دبیرخانه دارد؟ هر چند در بعضی موارد، زمانی که متهم وکیلی را انتخاب نکرده و مایل به حضور در دادگاه نیز نمی‌باشد، رئیس دبیرخانه برای برگزاری دادرسی منصفانه، رأسأ می‌تواند برای متهم وکیلی تعیین نماید، همان‌گونه که در قضیه بارایاویزا اتفاق افتاد (Prosecutor V. Barayagwiza, 6 February 2001) اما در سایر موارد متهم علی‌القاعده، حق انتخاب دارد. درحالی که شعب دادگاه رواندا معتقدند، متهمی که امکانات مالی ندارد، حق انتخاب وکیل تعیینی را نیز ندارد.

در قضیه کامباندآ دادگاه رأی داد که حق دسترسی به وکیل رایگان برای متهم به معنی حق انتخاب وکیل نبوده و رئیس دبیرخانه ملزم به رعایت خواسته‌های متهم نمی‌باشد و تنها وظیفه دارد، وکیلی را از لیست، تعیین نماید (Prosecutor V. Kambanda, appeals chamber, 19 October 2000). این موضع، قبلاً در یکی از قضایای مطرح نزد دادگاه پذیرفته شده بود (Prosecutor V. Ntakirutimana, 11 June 1997) رئیس دبیرخانه دادگاه رواندا نیز از ۱۸ نوامبر ۱۹۹۸ با اعلام این نکته که وکلای کانادایی و فرانسوی، بیشترین موارد وکالت تعیینی را به خود اختصاص داده‌اند، مانع از انتخاب آنان توسط متهمین گردید.

۱- بدین ترتیب متهم در هر وضعیت جسمانی که قرار داشته باشد، نمی‌تواند شخصاً و بدون حضور وکیل از خود دفاع نماید.

حق دسترسی به وکیل در محاکم بین‌المللی یوگوسلاوی، رواندا ... ۲۷

این وضعیت تا ۲۷ ژوئیه ۱۹۹۹ به طول انجامید. در این تاریخ، شعبه استیناف دادگاه رواندا در قضیه اکایسو، مقرر نمود که دبیرخانه از انتخاب وکلای کانادایی و فرانسوی، رفع توقیف به عمل آورده و به متهم اجازه دهد وکیل مورد نظر خود را تعیین نماید. به رغم تصمیم مذکور، رئیس دبیرخانه مجدداً اظهار نمود که با وجود رفع توقیف از تعیین وکلای مذکور، حق تصمیم‌گیری نهایی همچنان با دبیرخانه است (Prosecutor V. Akayesu, Appeals chamber, 27 July 1999).

صرف نظر از این که انتخاب وکیل از لیست تعیین شده توسط دبیرخانه، خود نوعی محدودیت برای متهم به شمار می‌رود و نمی‌توان عدم امکانات کافی دادگاه را توجیه قابل قبولی در این رابطه دانست، تصمیم‌گیری نهایی دبیرخانه نیز باعث تشدید این محدودیت گردیده است؛ در صورتی که نه قواعد دادرسی و اساسنامه و نه دستورالعمل، چنین حقی را به رسمیت نشناخته‌اند. بدین ترتیب به رغم این که کلیه متهمین این دادگاه از وکلای تعیینی برخوردار می‌شوند، هیچ تضمینی وجود ندارد که وکیل انتخاب شده از لیست توسط متهم، مورد پذیرش دبیرخانه نیز قرار گیرد.

بی‌مناسبت نیست در پایان اشاره شود که در دادگاه یوگوسلاوی نیز همین قاعده جاری است و برای جلوگیری از هزینه‌های زیادی وکالت، اسامی تعداد محدودی از وکلا در لیست درج گردیده است (روبیز فابر سورل، ۱۳۷۸:۱۸۴). در قضیه دلالیچ، دادگاه یوگوسلاوی اعلام نمود که نسبت به وکیل تعیینی، حق انتخاب وجود ندارد (Prosecutor V. Delalic, 24 June 1996). بدین ترتیب اگر لیست وکلا در اختیار متهمین قرار می‌گیرد تا از میان اسامی، وکیلی را برگزینند، امتیازی است که برای متهمین در نظر گرفته شده است و دادگاه می‌تواند هر زمان این امتیاز را سلب نماید.

گفتار سوم: دادگاه کیفری بین‌المللی^۱

الف) حق دسترسی به وکیل در اساسنامه و قواعد دادرسی

جزء ۴ از بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی حق دفاع توسط متهم و دسترسی به وکیل را پیش‌بینی نموده است. متهم باید از وجود چنین حقی آگاه شده و در صورت عدم توانایی مالی، اگر عدالت اقتضا نماید، وکیلی برای او تعیین شود. حق تبادل نظر آزادانه با وکیلی که توسط متهم انتخاب شده است نیز در جزء ۲ بند ۱ ماده مذکور، مطرح گردیده است. همچنین بر اساس قواعد دادرسی، در هر زمان پس از دستگیری نیز، امکان درخواست تعیین وکیل وجود دارد

۱- اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ در شهر رم به تأیید نمایندگان ۱۲۰ کشور از مجموع ۱۶۰ کشور شرکت‌کننده در کنفرانس نمایندگان تام‌الاختیار ملل متحد رسید و از اول ژوئیه ۲۰۰۲ لازم‌الاجرا گردید.

(بند ۲ ماده ۱۱۷ از قواعد دادرسی). بدین ترتیب دسترسی به وکیل از مراحل ابتدایی تشکیل پرونده لحاظ گردیده است. زیرا سرنوشت یک پرونده کیفری معمولاً از طریق آن چه در جلسات تحقیق و بازجویی به دست می آید، رقم می خورد.

قواعد دادرسی دادگاه، در زمینه حقوق متهم، وظایفی را بر عهده رئیس دبیرخانه نهاده است بدین صورت که فعالیت های دبیرخانه را به گونه ای تحت نظارت و اداره خود قرار دهد که موجبات رعایت کامل حقوق متهم و برقراری یک دادرسی منصفانه، فراهم شود (بند ۱ ماده ۲۰ قواعد دادرسی). در این راستا او وظیفه دارد برای انجام تبادل نظر محرمانه وکیل و متهم، امکانات لازم را در اختیار آنها قرار داده (جزء ۱ بند ۱ ماده ۲۰ قواعد دادرسی) و ضوابطی را برای تعیین وکیل پیشنهاد نماید (بند ۱ ماده ۲۱ قواعد دادرسی).

وکلایی نیز که برای متهمین تعیین می شوند باید دارای شرایط مندرج در ماده ۲۲ قواعد دادرسی باشند.^۱ اسامی وکلا در لیستی که توسط رئیس دبیرخانه تهیه شده، در اختیار متهم قرار می گیرد تا وکیل مورد نظر خود را انتخاب نماید (بند ۳ ماده ۲۱ قواعد دادرسی). در این رابطه مشخص نگردیده است که آیا رئیس دبیرخانه می تواند فرد دیگری را برای متهم تعیین نماید؟

در صورتی که در خواست متهم برای تعیین وکیل رد شود، نامبرده می تواند از این تصمیم از رئیس دادگاه تجدید نظرخواهی نماید. تصمیم مقام مذکور قطعی است (بند ۳ ماده ۲۱ قواعد دادرسی). سؤالی که در این رابطه مطرح می گردد آن است که اگر تصمیم رئیس دادگاه در تأیید نظر دبیرخانه باشد، آیا امکان بازجویی یا حضور متهم در جلسات دادرسی بدون وکیل وجود دارد؟ با توجه به عدم تعیین مقرراتی در این مورد و در جهت حفظ حقوق متهم، پاسخ به سؤال مذکور منفی است. در این وضعیت یا باید منتظر ماند تا وکیلی از طرف متهم انتخاب شود که با توجه به درخواست اولیه متهم مبنی بر عدم توانایی مالی، امکان پذیر به نظر نمی رسد یا وکیلی از طرف دبیرخانه برای جلوگیری از تأخیر در رسیدگی ها، برای متهم تعیین شود. این راه حل باید در دستورالعملی که توسط دبیرخانه تهیه و پیشنهاد می شود، گنجانده شده و رئیس دبیرخانه ملزم به اجرای آن شود، زیرا همان گونه که در دستورالعمل های تعیین وکیل در محاکم کیفری یوگسلاوی و رواندا اشاره گردید، در چنین مواردی رئیس دبیرخانه ملزم به تعیین وکیل برای متهم نیست؛ موضوعی که باعث به خطر افتادن حقوق دفاعی متهم می شود.

۱- از جمله این شرایط می توان به صلاحیت و تجربه در امور کیفری و بین المللی، خواه به عنوان مشاور یا دادستان یا قاضی و آشنا به حداقل یکی از زبان های کاری دیوان، اشاره کرد.

ب) افشای مذاکرات وکیل و متهم

اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی در زمینه تبادل نظر وکیل و متهم این‌گونه مقرر نموده است: «وقت کافی و امکانات لازم به او داده شود تا دفاع خود را تدارک دیده و آزادانه با وکیلی که خود انتخاب کرده، به صورت محرمانه تبادل نظر نماید» (جزء ۲ از بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه). با توجه به عبارت مذکور، آیا حق تبادل نظر محرمانه فقط شامل وکیل منتخب می‌شود یا متهم حق دارد که بدون دخالت مقامات قضایی و اداری با وکیل تعیین شده نیز به صورت محرمانه، گفت‌وگو و مشورت نماید؟ منطقی به نظر نمی‌رسد که این حق فقط شامل وکیل انتخابی شود (Zappala, 2002: 1350) و از نظر موازین حقوق بشر نیز تفاوتی میان وکلای انتخابی و تعیینی در این رابطه وجود ندارد. ولی جزء ۱ از بند ۱ ماده ۲۰ قواعد دادرسی با اشاره به ماده ۶۷ اساسنامه رئیس دبیرخانه را مکلف به تهیه امکاناتی برای تبادل نظر محرمانه با وکیل انتخابی کرده است. بنابراین برای رفع این ابهام، رئیس دبیرخانه باید هنگام تنظیم مقررات راجع به تعیین وکیل، به صراحت حق تبادل نظر محرمانه با وکیل تعیینی را نیز مورد شناسایی قرار دهد.

حق محرمانه بودن مذاکرات وکیل و متهم بدین خاطر پیش‌بینی گردیده است که حقوق دفاعی متهم بر اثر فاش شدن اطلاعات راجع به این مذاکرات دچار خدشه نشود. اما بند ۱ از ماده ۷۳ قواعد دادرسی، افشای چنین اطلاعاتی را در دو مورد جایز دانسته است: مورد اول زمانی است که این اطلاعات توسط متهم و با رضایت او به صورت کتبی برای دادگاه فاش شود (جزء ۱ از بند ۱ ماده ۷۳ قواعد دادرسی). مورد دوم آن است که اطلاعات مذکور توسط متهم به صورت ارادی برای فرد ثالثی فاش شود (جزء ۲ از بند ۱ ماده ۷۳ قواعد دادرسی). فرد ثالث متعاقباً می‌تواند به عنوان شاهد در دادگاه حاضر شده و اطلاعات مذکور را به عنوان دلیل ارائه دهد. مسلماً همان‌گونه که متهم می‌تواند اعتراف به مجرمیت نماید که صحت آن براساس ضوابط مندرج در ماده ۶۵ اساسنامه دادگاه بررسی می‌شود، می‌تواند مستقیماً اطلاعات راجع به مذاکرات خود با وکیل را برای دادگاه فاش نماید. در این صورت ارزیابی آن برای قضات آسان‌تر خواهد بود.

اما اگر اطلاعات مذکور در اختیار فرد ثالثی قرار گرفته باشد، برای معتبر تلقی کردن آن دادگاه با مشکلات جدی مواجه خواهد گردید. اولین مورد آن است که ارادی بودن اقدام متهم چه معنایی دارد و با چه معیارهایی باید ارزیابی شود؟ پرسشی که قواعد دادرسی دادگاه پاسخی به آن نداده است. همچنین تا چه اندازه می‌توان اطمینان حاصل نمود که فرد ثالث، شنیده‌های خود را عیناً در دادگاه مطرح کرده است؟ بنابراین دادگاه نمی‌تواند اطلاعات ارائه شده را به عنوان دلیل مورد پذیرش قرار داده و مبتنی بر رأی خود را بر آن استوار نماید و حتی اگر معیارهایی برای ارادی تلقی

شدن اقدام متهم وضع شود، با توجه به این‌که افشای اطلاعات برای فرد ثالث به معنای تمایل افشای آن برای مقامات قضایی نیست، به نظر می‌رسد متهم هر چند به صورت غیرمستقیم مجبور به ارائه اطلاعاتی می‌شود که ممکن است باعث مجرم قلمداد شدن او گردد.

ج) ضوابط تعیین وکیل برای متهم

همچنان که ذکر شد، قواعد دادرسی دیوان، وظایف متعددی را در خصوص چگونگی رعایت حقوق متهم در دسترسی به وکیل بر عهده دبیرخانه نهاده است، اما در جزئیات آن موکول به تهیه مقرراتی توسط دبیرخانه (بند ۱ ماده ۲۱ قواعد دادرسی) و تصویب قضات گردیده است. یکی از این موارد، تعیین معیاری برای عدم توانایی مالی متهمین است. هر چند منابع امرار معاش متهم می‌تواند به عنوان یک ضابطه در نظر گرفته شود (Gerard Dive, 2001: 281)، اما باید به این نکته نیز توجه داشت که به صرف دسترسی متهم به منابع مالی متعدد، نمی‌توان او را از حق دسترسی به وکیل محروم کرد، زیرا^۱ با توجه به هزینه‌های بالای یک محاکمه بین‌المللی، منابع مذکور ممکن است تکافوی این هزینه‌ها را ننموده و بدینسان متهم باید همچنان بی‌بضاعت تلقی شود.

از دیگر مواردی که می‌توان به آن اشاره نمود، اطلاعات راجع به وضعیت مالی متهمین می‌باشد. بدین منظور آیا رئیس دبیرخانه می‌تواند از هر منبع خبری استفاده نماید؟ در این رابطه دستورالعمل‌های تعیین وکیل در محاکم کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و رواندا، معیار مشخصی را ارائه نموده‌اند. در بند ۲ از ماده ۱۸ دستورالعمل دادگاه رواندا مقرر شده است که اگر رئیس دبیرخانه به اطلاعاتی دست یابد که حاکی از وجود امکانات مادی کافی در دسترس متهم است، از ادامه فعالیت‌های وکیل ممانعت به عمل می‌آورد. همچنین در بند ۲ از ماده ۱۰ دستورالعمل دادگاه یوگسلاوی آمده است که رئیس دبیرخانه می‌تواند این اطلاعات را از هر فردی که به نظر می‌رسد قادر باشد اطلاعات مرتبطی را ارائه نماید، کسب کند.

نظر به ابهام موجود، دادگاه یوگسلاوی در قضیه کوپرسکیچ^۲ که رئیس دبیرخانه، مانع از ادامه فعالیت وکلای تعیین شده برای تعدادی از متهمین گردیده و علت آن را گزارش مطبوعات ذکر کرده بود،^۱ اعلام کرد که دبیرخانه نتوانسته است اثبات نماید متهمین قادر به پرداخت هزینه‌های وکیل هستند (Prosecutor V. Kupreskic, 3 September 1999)، با توجه به این‌که بیم بروز چنین مواردی در دادگاه کیفری بین‌المللی نیز می‌رود، ضروری است برای جلوگیری از وقفه در فعالیت‌های وکیل که به نوبه خود به حقوق دفاعی متهم لطمه می‌زند، ضوابط دستیابی به اطلاعات

۱- براساس گزارش مطبوعات، متهمین کروات، از کمک‌های مالی یک سازمان برخوردار شده بودند.

حق دسترسی به وکیل در محاکم بین‌المللی یوگوسلاوی، رواندا ...

راجع به وضعیت مالی متهمین، صراحتاً در مقررات دادگاه مشخص گردد. اما شاید مهم‌ترین نکته قابل بحث را بتوان مقررات اساسنامه دانست که پیش‌بینی نموده است زمانی برای متهم بی‌بضاعت وکیل تعیین می‌شود که عدالت اقتضا نماید (جزء ۴ از بند ۱ ماده ۶۷ اساسنامه). بدین ترتیب حق متهم در دسترسی به وکیل، محدود به شرط مذکور شده است.

آیا با توجه به نوع جرایمی که در صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی وجود دارد، می‌توان پذیرفت عدالت اقتضا نکند که برای متهم وکیل تعیین شود؟ اگر پاسخ به این سؤال منفی است، پس چه لزومی داشته که این عبارت در اساسنامه گنجانده شود؟ آیا فقط به این دلیل که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز به آن اشاره گردیده است؟ اگر این‌گونه باشد باید گفت که نهادهای مدافع حقوق بشر، شدت اتهام‌ها، شدت مجازات احتمالی و پیچیدگی پرونده را از جمله مواردی دانسته‌اند که عدالت، اقتضای تعیین وکیل را می‌کند. مواردی که همواره در دادگاه کیفری بین‌المللی وجود دارد. مگر این‌که بپذیریم قصد طراحان اساسنامه آن بوده است که در مواردی نیز عدالت اقتضا می‌کند برای متهم، وکیلی تعیین نشود. اما این امر برخلاف موازین حقوق بشر بوده و منطقی به نظر نمی‌رسد. به هر حال، در جرایم بین‌المللی، عدالت همواره اقتضا می‌کند که متهم به وکیل دسترسی داشته باشد.

د) ایجاد بخش دفاع از متهم

طبق اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی: «رئیس دبیرخانه باید بخش مربوط به شهود و قربانیان را در دبیرخانه تأسیس نماید. این بخش با مشورت با دادسرا، اقدامات حمایتی و امنیتی و مساعدت‌های مناسب دیگری برای شهود و قربانیان و اشخاص دیگری که شهادت شهود ممکن است متضمن خطری برای آنان باشد، انجام خواهد داد...» (بند ۶ ماده ۴۳).

اما آیا دبیرخانه می‌تواند بخش مربوط به دفاع از متهمین را نیز تأسیس نماید؟ در کنفرانس رم، مذاکراتی غیر رسمی در این مورد صورت پذیرفت اما پیشنهادی ارائه نگردید. هنگام تصویب قواعد دادرسی، هیأت نمایندگی فرانسه، ایجاد یک دفتر را در دبیرخانه برای امور مربوط به حقوق دفاعی متهم پیشنهاد داد. تعدادی از سازمان‌های غیر دولتی نیز خواستار ایجاد یک بخش مجزا در این رابطه شدند. علت اصلی این پیشنهادها، علاوه بر کمک به متهمین، حفظ استقلال و محرمانه بودن فعالیت‌های وکلا بود (Dive, 2001: 277-278).

استدلال مخالفان این بود که تنها بخش شهود و قربانیان مورد اشاره صریح اساسنامه قرار گرفته و بنابراین تأسیس بخش دیگری در دبیرخانه امکان‌پذیر نیست. اما موافقان معتقد بودند که اداره دبیرخانه طبق ماده ۴۳ اساسنامه به رئیس دبیرخانه واگذار شده است و او حق دارد با هر روش

مناسبتی، این وظیفه را انجام دهد که از آن جمله، تأسیس بخش مجزایی می‌باشد (Ibid: 278). مباحث مذکور نتیجه خاصی در پی نداشت. بدین ترتیب، وظیفه دبیرخانه در قبال متهم تنها همان مواردی است که در ماده ۲۰ قواعد دادرسی پیشنهاد شده است. اما با توجه به این‌که بند ۱ از ماده ۲۰ قواعد دادرسی، رئیس دبیرخانه را به نحوی به اداره امور مالی به ملزم کرده است که استقلال حرفه‌ای و کلا حفظ شود و از سوی دیگر به تفصیل بیان نشده که دبیرخانه برای نایل شدن به اهداف و انجام وظایف مندرج در ماده مذکور، چه اقداماتی را می‌تواند انجام دهد. امکان تأسیس بخش مجزایی برای متهمین وجود دارد. (Ibid: 279) علاوه بر این‌که اساسنامه، در ماده ۴۳ به وظیفه الزامی دبیرخانه در تأسیس بخش شهود و قربانیان، اشاره کرده است و بنابراین معنی وجود ندارد که رئیس دبیرخانه بتواند بخش دیگری را تأسیس کند.

نتیجه‌گیری

محاكم كیفری بین‌المللی که با هدف تعقیب مجرمین و مجازات آنها برای دستیابی به صلح و امنیت در جهان ایجاد شده‌اند، نمی‌توانند صرفاً به حقوق قربانیان جنایات، توجه داشته باشند، بلکه برای حفظ شأن و اعتبار جهانی خود، ملزم به رعایت حقوق متهم نیز هستند؛ حقوقی که سالیان متمادی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر اعم از جهانی و منطقه‌ای، گنجانده شده و نهادهای مختلفی که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کمیته حقوق بشر سازمان ملل و دادگاه اروپایی حمایت از حقوق بشر اشاره کرد، بر چگونگی رعایت مقررات مندرج در این اسناد نظارت داشته و با تفاسیر قضایی خود، نقش مهمی در توسعه مفهوم دادرسی متصفانه ایفا کرده‌اند.

بنابراین در سطح جهانی، اجماعی در زمینه رعایت حقوق متهم به وجود آمده است و رویه مخالفی در این زمینه مشاهده نمی‌شود، شاهد این مدعا، تأسیس دادگاه اروپایی حقوق بشر توسط کشورهای اروپایی، تأسیس دادگاه امریکایی حقوق بشر توسط کشورهای امریکایی و ایجاد کمیته حقوق بشر از طریق میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب سازمان ملل به عنوان یک سند الزام‌آور می‌باشد.

همه این موارد دلالت بر آن دارد که محاکم قضایی کشورهای مختلف با گنجاندن مقررات اسناد مذکور در قوانین خود و با تفاسیر خودسرانه، باعث نادیده گرفته شدن حقوق متهم نشوند. بدین ترتیب، رعایت حقوق متهمین، جزء عرف‌های شناخته شده حقوق بین‌الملل درآمده است و کلیه تابعان حقوق بین‌الملل از جمله محاکم کیفری بین‌المللی، به رعایت این حقوق آن‌گونه که در تفاسیر نهادهای مدافع حقوق بشر آمده، ملزمند. اما به نظر می‌رسد

محاکم بین‌المللی یوگوسلاوی و رواندا با تفاسیر شخصی خود از مقررات راجع به حقوق متهم، رویه دیگری را دنبال می‌کنند، زیرا آرای صادره از این محاکم در طول چندین سال گذشته به وضوح حاکی از نقض حقوق متهم تقریباً در کلیه موارد بوده است و در این‌جا تنها به یکی از این موارد اشاره گردید. همچنین با توجه به ابهام‌های حاکم بر مقررات حضور وکیل در دادگاه کیفری بین‌المللی، بیم آن می‌رود که این دادگاه نیز دچار چنین سرنوشتی شود. هشدار رابرت جکسون، دادستان آمریکایی دادگاه نظامی نورنبرگ مبنی بر این‌که اگر دادگاه، متهمین را به محاکمه می‌کشاند، در آینده، متهمین نیز دادگاه را به محاکمه خواهند کشید، هنوز حقیقی جلوه می‌کند (Patricia M. Wald, 2001: 552).

منابع

- ۱- آشوری، محمد. «مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه کنوانسیون اروپایی»، حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۲- روبیز فایر، هلن و ژان مارک، سورل، «آیین‌های دادرسی بین‌المللی»، ترجمه و تحقیق دکتر ابراهیم بیگ زاده، مجله حقوقی، شماره ۲۴، ۱۳۷۸.
- ۳- قاری سید فاطمی، سید محمد، «دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر»، مجله حقوقی، شماره ۲۵، ۱۳۷۹.
- ۴- لازرژ، کریستین، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.
- ۵- لوین، لیا، پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر، ترجمه محمد جعفر پوربند، چاپ اول، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۷.
- 6- Bassiouni, Cherif, "the protection of Human Rights in the Administration of criminal justice. A compendium of united Nations and standards", transnational publishers, 1994.
- 7- Cassese, Antonio, **international criminal law**, first published, oxford university press, 2003.
- 8- Dive, Gerard, "**the registry**" in Roy s lee and other (eds), the international criminal court, elements of crimes and rules of procedure and evidence, transnational publishers, 2001.
- 9- Mose, Eric, "**impact of Human Rights conventions on the two Ad hoc tribunals**", Human Rights and criminal justice for the down trodden, marinus nijhoff publishers, 2003.
- 10- Safferling, Christoph, **towards an international criminal procedure**, first published, oxford university press, 2001.
- 11- Wald, Patricia, "**To Establish incredible events by credible evidence the use of affidavit testimony in Yugoslavia war crimes tribunal proceeding**", Harvard

international law journal, summer, vol 42, No.2, 2001.

12- Zappla, Salvatore, "**the Rights of the Accused**", in Antonio Cassese and others (eds.) the Rome statute of the international criminal court. A commentary, first published, oxford university press, 2002.

13- www.un.org



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی